



مستوفی‌ها

های

دولت

مستوفی‌ها

مینو بدیعی

۱۱  
۱۵  
۱۹  
۲۱  
۲۳  
۲۵  
۲۷  
۳۰  
۳۲  
۳۵  
۳۷  
۳۹  
۴۱  
۴۴  
۴۸

۶۰  
۷۵  
۸۵  
۹۵  
۱۰۵  
۱۱۹  
۱۲۹  
۱۳۹

**فهرست**

پیشگفتار  
مناجات  
محرم  
درد  
اشک  
عطر رمضان  
نان  
نوروز  
هنوز 'قد' می‌کشی  
صبر  
مهدی (عج)  
مهمانی گریه  
روح پدر  
رها  
صدا

۱۲۰	رضای عالم
۱۲۲	سکوت
۱۲۴	تنهایی
۱۲۶	سوار سرنوشت
۱۲۸	قاصد
۱۳۰	یاوه
۱۳۲	بهار
۱۳۴	باغ لاله‌ها
۱۳۶	دیروز، امروز
۱۳۸	ویرانه
۱۴۰	باورکنم؟
۱۴۲	شعله ماه
۱۴۴	حدیث
۱۴۶	شراره
۱۴۸	سبز رؤیایی
۱۵۰	هجران
۱۵۲	مروارید مهر
۱۵۴	نگاه
۱۵۶	رها
۱۵۸	عروج و فریاد
۱۶۱	رسوا نشوی
۱۶۴	طلوع
۱۶۶	کاکتوس
۱۶۹	شب آسمانی

۵۰	راز هستی
۵۲	مادر
۵۴	آن شهسوار عشق
۵۶	غربت
۵۹	بهار
۶۱	هوا
۶۴	ستاره
۶۷	بیگانه
۷۰	سکوت
۷۲	اندوه
۷۵	رویش
۷۷	ثانیه‌های زخمی
۸۱	جاده
۸۴	سفر
۸۷	تنهایی
۹۰	هزار سال
۹۳	صدای پا
۹۷	بانگ احمد(ص)
۹۹	بیگانه
۱۰۱	عشق مادر
۱۰۳	عدل
۱۰۵	عشق آبی
۱۰۹	اگر بیاید
۱۱۲	راه حسین(ع)
۱۱۴	آینه
۱۱۷	شاخه زیتون

## به نام خداوند جان و خرد

### پیشگفتار

«مشق‌های دلدادگی» صرفاً تلاشی برای نوشتن سیاه‌مشق در عرصه شعر است و بدون کم‌ترین ادعایی در این عرصه حیرت‌انگیز ادبیات کلاسیک و معاصر ایران، شعر گفتن و شاعری بسیار سترگ است و هر شاعر ایرانی برای سرودن شعر از استعداد و توانمندی بسیار بالایی در این سرزمین پرآوازه شعر و شاعری باید برخوردار باشد.

سال‌ها فعالیت در عرصه روزنامه‌نگاری و قبل از آن در دورانی که عطر جوانی و جوشش نوجوانی، گام‌های مرا در جاده پرشکوه عشق هدایت می‌کرد؛ هر چندگاه یکبار در خلوت خویش و برای دل خود، شعرهایی یا سیاه‌مشق‌هایی را می‌سرودم و می‌نوشتم اما حاصل کار آنگونه نبود که به اعتقاد خودم قابل چاپ باشد اما پس از سالیان طولانی کار در عرصه مطبوعات حدود ۲۳ سال زمانی که سردبیری یک نشریه و بولتن داخلی مربوط به سازمان دولتی را بر عهده گرفتم گرایش به سرود شعر به دلایل زیاد در من قوی‌تر شد. در صفحه‌ای ادبی این نشریه که خود پایه‌گذار آن بودم به مناسبت‌های مذهبی و دینی و گاهی هم با انگیزه‌های عاشقانه، عرفانی و معنوی دیگر اشعاری را سروده و به چاپ می‌رساندم.

تمامی اشعاری که در این مجموعه گرد آمده‌اند از سالهای حدود ۸۱ تا ۸۵

در آن نشریه داخلی به چاپ رسیده‌اند. انگیزه سرودن این اشعار فقط جوشش و خروش درونی بوده است البته در این زمینه بسیار کاستی‌ها وجود داشته است و بسیاری از صاحب‌نظران ادبی بر این اشعار خرده گرفته‌اند؛ البته گروهی هم آنها را تایید کرده‌اند.

باید یادآور شوم که برخی از اشعار نو این مجموعه در وبلاگ‌های شخصی درج شده‌اند که تماماً هدایتگر آنها با انگیزه‌های درونی و شخصی بوده‌اند. تاثیر و عواطف و احساسات در یک مقطع خاص انگیزه مهمی برای سرودن این اشعار به شمار می‌رفت.

در ارتباط با عرضه این کتاب به بازار نشر باید خاطر نشان کنم که هر شاعر، نویسنده و یا روزنامه‌نگاری و... به دنبال مخاطب می‌گردد و اصلی‌ترین دغدغه کسانی که با قلم سروکار دارند یافتن مخاطب است. از اینرو، همانگونه که این شعرها در آن نشریه داخلی — مخاطبانی هر چند معدود داشته است — در عرصه کتاب نیز می‌خواهد راه خود را بجوید، راهی که دشواری و سختی جذب مخاطب و خواننده — به رغم همه موانع فرا راه آن — برای آن بسیار ارزشمند است. آغاز این دیباچه با شعری تحت عنوان «مناجات» از مرحوم پدرم، شادروان محمدتقی بدیعی است که انسانی فرزانه در عرصه ادبیات بود و صداقت و شرافت حرفه‌ای‌اش در عرصه کار و تلاش از او انسانی بی‌مانند — به گمان من — ساخته بود. افسوس که در آغاز میانسالی و در زمان نوجوانی و خردسالی ۴ بردار، خواهرم و من دار فانی را وداع گفت.

بدون شک این اثر دارای نواقص و معایب بسیار زیاد است که نظریات منتقدان و تحلیل‌گران ادبی و کارشناسان شعر می‌تواند در این وادی برای این گزارشگر قدیمی مطبوعات بسیار مهم و سازنده باشد.

این کتاب رابه روح پر فتوح پدرم، شادروان محمدتقی بدیعی تقدیم می‌کنم که بسیار زود از این جهان پر کشید و پس از سالهای طولانی از فوت وی، هنوز هم رهنمودهای او آویزه گوشم هست. این کتاب شاید سپاسی بسیار کوچک

برای مادرم نیز باشد که اراده بی‌همتا و روح بزرگ او، دستاویز همه هستی فرزندانش شد. و ۶ فرزند را بدون سرپرستی پدر به ثمر رساند.

از خانم جوان و پرتلاش معصومه کرم‌بیگی — همکارم — که با ظرافت و دقت زیاد کار تایپ، تصحیح، نمونه‌خوانی، صفحه‌آرایی، انجام طرح‌های گرافیکی این کتاب را بر عهده داشت بسیار سپاسگزارم...

شاعر نیم و شعر ندانم که چه باشد  
من مرثیه‌گوی دل دیوانه خویشم

مینو بدیعی